

فهرست مطالب

جلد اول

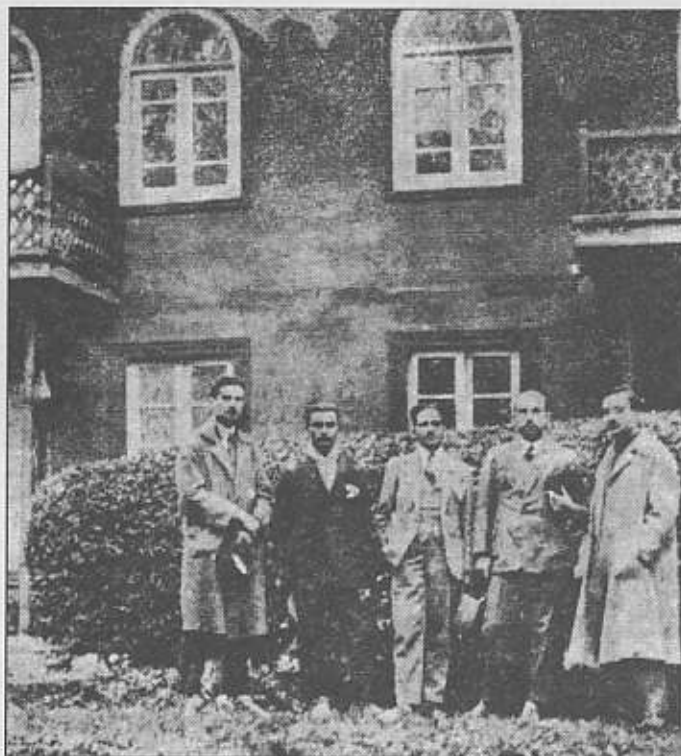
۱۹	چرا این سرگذشت را می نویسم؟
۲۵	چند نکته
۲۷	مقدمه‌ی تاریخی: نظری به گذشته
	ارزش موسیقی این دوره، موسیقی مجالس عروسی و مهمانی، تشخیص موسیقی و تأثیر آن، موسیقی درباری و اندرون شاهی، پایان مقدمه
۵۱	آغاز سرگذشت
	تأثیر سرودها
۵۵	ویولن همسایه
۵۷	کمانچه چیست؟ سرگذشت نوازندگان این ساز
	سابقه‌ی کمانچه، کمانچه کش‌ها، حسین خان، رامشگر، چنگی، یک اشاره
۶۵	تار عموجان
	استاد زمانه، نوای تار، گاردن پارتی
۷۱	کنسرت‌های انجمن اُخوت
	محفل اهل صفا، نغمه‌ی درویشان
۷۷	دنباله‌ی سرگذشت
	دیروز و امروز، مقایسه‌ی آهنگ‌ها

- ۸۱ خاندان هنر: مشهورترین نوازندگان
آقاعلی اکبر، آقاغلام حسین، شاگردان آقاغلام حسین، فرزندان آقاعلی اکبر، میرزاعبدالله،
شاگردان میرزاعبدالله، شاگردان دیگر، فرزندان میرزاعبدالله، روش استاد، درگذشت،
آقاحسین قلی، سبک استاد، نصیحت استاد، پرکردن صفحه، معاصرین آقاحسین قلی، شاگردان
آقاحسین قلی، سایر شاگردان، خانواده‌ی آقاحسین قلی، فوت استاد، سابقه‌ی تاریخی تار
- ۱۰۹ ستورزن: سرگذشت این ساز
مجلس آنس، ستورخان، محمد صادق خان، علی اکبر شاهی، حسن سنتوری، سماع حضور
- ۱۱۹ سازندگان آلات موسیقی
یحیی دوم، صنعت‌گران دیگر، تذکر
- ۱۲۳ ارکستر سه‌نفری
اولین سفر، به سوی شیراز
- ۱۲۹ شهر گل و بلبل
مدرسه‌ی دیروز و امروز، محضر فرصت، بحورالاحسان، موزیکچی‌ها، قانون‌زن، جلال قانونی،
نوازندگان قانون
- ۱۳۷ موسیقی نظامی: نقاره‌خانه، مدرسه‌ی موزیک
سرود جنگ، نقاره‌خانه، هنگامی که نقاره می‌کوفتند، وفاداری نقاره‌چیان به رسم گذشته، انتقال
نقاره‌خانه، موسیقی قراولان شاهی، آلات نقاره، مدرسه‌ی دارالفنون، موزیک دارالفنون،
مواردی که موزیک نواخته می‌شد، کارهای لومر (سلیمان خان، غلام‌رضاخان سالار معزز،
حسین هنگ‌آفرین، ناصر همایون، ابراهیم آژنگ، نصرالله مین‌باشیان)، سایر رؤسای موزیک،
مدرسه‌ی موزیک، دیپلمه‌های مدرسه‌ی موزیک
- ۱۶۳ موسیقی ایرانی با سازهای اروپایی
نوازندگان پیانو (معمدالملک پجاییان، محمود مفتخّم، مشیرهمایون)، شاگردان مفتخّم
(حسین استوار، مرتضی محجوبی)، نوازندگان ویولن (تقی دانشور، جهانگیرمراد، شهباز
برمکی)، نوازندگان فلوت، نوازندگان قره‌نی
- ۱۷۹ بازگشت
منزل به منزل، قصه‌ی کوتاه، در اصفهان
- ۱۸۷ نمایش رستاخیز [میرزاده‌ی عشقی]
شاعر ناکام، نتیجه
- ۱۹۱ داستان نی‌زن
طاق نصرت، جشن عروسی، آهنگ نی، نایب اسدالله، چندنی‌زن، نی چیست؟

- ۳۱۱ ردیف موسیقی ایرانی
۳۱۷ پایان سخن
۳۲۱ فهرست تصنیف‌ها

جلد دوم

- ۳۲۵ دیدار استاد
دستور تار، مدرسه‌ی موسیقی، چه خبر بود؟
۳۲۹ خریدار تو
نغمه‌های ناشنیده، تار و زبیری
۳۳۳ گم شده‌ام که بود؟
۳۳۵ دل‌تنگ
اشتیاق هنر، افتتاح ارکستر، نیم شب، دل‌تنگ، یاران باصفا
۳۴۱ یاران هنردوست
شخصیت هنرمند
۳۴۵ کلوب موسیقی
مقدمات تأسیس، تارها، نت‌های ارکستر، اعضای کلوب، برنامه‌ی کلوب
۳۴۹ آغاز کارهای هنری استاد
محیط خانوادگی، شیپورچی، شوق موسیقی، آغاز تحصیلات موسیقی، مجلس آقا حسین قلی،
داستان نوشتن ردیف، طرز کار
۳۵۹ زندگی سیاسی هنرمند
افسر ناراضی، سرباز مجاهد، سفر استرآباد، ورود به حزب، سفر همدان، قلعه‌ی زندان، کنج
فراغت، سفر بیرجند، به سوی اروپا
۳۶۹ انتظارات استاد
دشواری‌ها
۳۷۳ شوق هنر
سه بار یک‌دل، به سوی موسیقی، مکان استاد، رفقای دیگر
۳۷۷ شیفته‌ی موسیقی
اندرز پدر، به یاد مادر، راه هنر، دل‌شیدایی
۳۸۱ موسیقی‌شناس
سخنان هدایت، حُسن تصادف، موسیقی‌شناسان، تألیفات هدایت



تصویر ۱۹۴: در باغ محترم رشت (سال ۱۳۰۷)
از راست: ۱. ابوالحسن صبا، ۲. همایون، ۳. سپانلو، ۴. خالقی

کنسرت آپرت‌ها

آپرت گل‌رخ در شب‌های ۷ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۷ در سالن گراند هتل تهران به نمایش گذارده شد و چون نمایش تمام‌آهنگی بود، در این دو شب نغمات دیگری نواخته نشد. شرح این آپرت را البته بعد خواهیم داد. آپرت شوهر بدگمان که دارای سه آکت و نمایش تمام‌آهنگی بود در هشتم اردیبهشت ۱۳۱۰ در سالن گراند هتل به نمایش گذارده شد که تفصیل آن بعد خواهد آمد.

علاوه بر کنسرت‌ها و آپرت‌های فوق، تا سال ۱۳۰۷ که سالن مدرسه سوخت، علاوه بر جلسات کلوب موزیکال گاهی کنسرت‌ها و نمایش‌هایی هم در همان سالن داده می‌شد که ذکر تمام آن‌ها باعث طول کلام است و نمایش شوهر بدگمان را می‌توان آخرین نمایش هنری وزیری دانست که برای عموم داده شده است؛ چه، از آن به بعد تنها یک کنسرت در سال ۱۳۱۲ در مدرسه‌ی موسیقی دولتی داد که جنبه‌ی فرهنگی داشت و به‌نام جشن پایان سال تحصیلی آن مدرسه بود.



تصویر ۲۰۴: قمرالملوک خواننده.

شعر حافظ و ضربات مضراب سنتور با صدای گرفته‌ی پروانه در نغمه‌ی شهناز، شوری در دل به پا کرد و خاطرات شیرینی را به یاد آورد. به فکر فرو رفتیم که اگر میسر بود، ایام تابستان را در این ییلاق دورافتاده می‌گذراندم و با آرامش خاطر به کار خود می‌پرداختم.

مشهدی‌علی اکبر گفت: همراهان تان کجا هستند؟ او عادت داشت که مرا با دوستانم چندبار در فصل تابستان در آن جا ببیند. گفتم: کسی با من نیست. تنها نزد شما آمده‌ام. گفت: پس به خانه برویم. گفتم: چرا به باغچه نرویم؟ گفت: امسال آن جا خالی است. در ده منزل دارم. گفتم: اما هوای باغ بهتر است. گفت: زحمتی ندارد. از سر راه یک قالیچه برمی‌داریم و به باغ می‌رویم. برخاستیم و به‌راه افتادیم تا به خانه‌اش رسیدیم. در زدیم و زنش در را باز کرد و از دیدن من خوشحال شد. درست مثل این‌که فرزندش را دیده بود. حق داشت. سال‌ها مادرم به او

مهربانی‌ها کرده بود. ما گرم صحبت بودیم که مشهدی‌علی اکبر لوازم را برداشت و جلو افتاد. ما هم به‌دنبال او سرازیر شدیم و به باغی که در همان نزدیکی بود رفتیم. اتاقی کوچک داشت و ایوانی. درخت‌های گوجه و گلابی و آلو سر به هم کرده و سایبانی طبیعی و خوش‌منظر بر روی باغ گسترده بود. از درخت‌ها میوه‌کنندیم و خوردیم و به صحبت مشغول شدیم. عذراخانم هم برای تهیه‌ی ناهار به خانه رفت.

صحبت من و علی اکبر گُل انداخت. گفت: یادت می‌آید وقتی بچه بودی برایت قصه می‌گفتم؟ گفتم: آری. اما حالا دیگر شوقی به شنیدن قصه ندارم. گفت: در باغ همسایه گرامافون و صفحه هست. می‌خواهی بیاورم و بزنیم و مشغول شویم؟ گفتم: نه. موسیقی زیاد شنیده‌ام. صحبت کنیم. گفت: امسال دل و دماغ ندارم. من تنها این‌طور نیستم. همه‌ی اهل این ده مثل من هستند. تعجب کردم و علت را پرسیدم. گفت: چند سال است که به اوین می‌آیی؟ گفتم: در حدود پانزده سال است. گفت: بیست سال قبل از آن را هم خودم به یاد می‌آورم. این زمین علفزار بود. آن را کندیم و بیل زدیم و آباد کردیم و نهال کاشتیم و پیوند زدیم و به ثمر رسانیدیم و برای نشیمن خودمان هم اتاق و ایوان ساختیم. از فروش این میوه‌ها و گندمی که در صحرا داریم نانی به‌دست می‌آوریم و می‌خوریم و شکر خدا را می‌کنیم. حالا چندی است نغمه‌های تازه می‌شنویم. می‌گویند تمام این ده وقف است! می‌خواهیم سند مالکیت بگیریم، نمی‌دهند! هرچه از پیرمردان خودمان می‌پرسیم، اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ ولی به گوش‌مان چنین می‌خوانند که می‌خواهند این‌جا را به نام وقف تصاحب کنند. پیش خودمان گفتیم که ملک ما همسایه‌ی